

به نام خدا

آینده‌پژوهی نقش زنان

در توسعه سیاسی در ایران

نویسنده: مشکوه اسدی

با مقدمه‌ای از امیر ناظمی

سرشناسه	: اسدی، مشکوه، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: آینده‌پژوهی نقش زنان و توسعه سیاسی ایران / نویسنده مشکوه اسدی .
مشخصات نشر	: تهران: آینده پژوه، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۲۳۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۵۳-۶ ریا ۱۸۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع:	: زنان در توسعه - ایران - تاریخ
موضوع:	: Women in development -- Iran -- History
موضوع:	: زنان در توسعه - ایران - آینده‌نگری
موضوع:	: Women in development -- Iran -- Forecasting
موضوع:	: زنان - فعالیت‌های سیاسی - تاریخ
موضوع:	: Women -- Political activity -- History
موضوع:	: زنان - فعالیت‌های سیاسی - آینده‌نگری
موضوع:	: Women -- Political activity -- Forecasting
رده بندی کنگره	: HQ۴۵ / ۹۱۹۶۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۵۴۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۹۱۶۲۲

عنوان کتاب: آینده‌پژوهی نقش زنان و توسعه سیاسی در ایران

نویسنده: مشکوه اسدی

طراح جلد: مهران وطن‌دوست

ناشر: آینده‌پژوه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۵۳-۶

کلیه حقوق این کتاب متعلق به انتشارات آینده‌پژوه است. هرگونه چاپ و تکثیر آن به صورت کاغذی یا الکترونیک بدون اجازه کتبی انتشارات ممنوع است. برای تهیه این کتاب با تلفن ۸۸۴۶۳۷۸۷ و ۰۹۱۲۵۳۸۷۸۴۷ تماس بگیرید.

فهرست

پیشگفتار ۱

مقدمه / ۵

۱. توازن در توسعه جنگ / ۵
۲. چرا وضعیت آینده زنان اصلی ترین پیش‌ران ساخت آینده کنونی است؟ / ۶
- استدلال یک: انسان به متب انسان / ۸
- استدلال دوم: نادیده‌انگاری نیمی از توان / ۹
- استدلال سوم: جامعه متوازن / ۱۱
- استدلال چهارم: سیاست‌های جبرانی / ۱۲
- استدلال پنجم: پذیرش دیگر بود / ۱۳
- استدلال ششم: هرمنوتیک متن و تواندیشی دینی / ۱۴
۳. چگونه می‌توان آینده را ساخت؟ / ۱۵

فصل اول: آینده‌پژوهی؛ تعاریف و روش‌ها/ ۱۹

۱. مفروضات آینده‌پژوهی/ ۲۳
۲. معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی: از پوزیتیویسم تا واقع‌گرایی انتقادی/ ۲۷
۳. روش‌های آینده‌پژوهی/ ۳۰
- تحلیل لایه‌ای علت‌ها/ ۳۲

۴. رویکردهای آینده‌پژوهی / ۳۴

روش تدوین سناریو / ۴۱

فصل دوم: زنان توسعه / ۴۹

۱. مروری بر ادبیات / ۴۹

۲. مروری بر تاریخچه فمینیسم / ۵۵

۳. الفمینیسم لیبرال تا فمینیسم پسااختارگرا / ۵۸

۴. فمینیسم لیبرال / ۵۸

۵. سازماندهی و ابزارهای مبارزاتی / ۵۹

۶. فمینیسم رادیکال / ۶۱

۷. سازماندهی و ابزارهای مبارزاتی / ۶۲

۸. فمینیسم پسااختارگرا / ۶۱

۹. سازماندهی و ابزار مبارزاتی / ۶۱

۱۰. پیشینه دیدگاه‌های گوناگون در مورد زنان و توسعه / ۶۶

۱۱. زنان و توسعه / ۶۸

فصل سوم: زنان و توسعه سیاسی: کاربرت روش‌های علتها / ۷۳

بخش اول: سطح لیسانی؛ توصیف وضعیت عینی زنان در توسعه سیاسی در ایران / ۷۳

۱- مشارکت سیاسی / ۷۵

۲- سازمان‌های غیردولتی و مشارکت سیاسی زنان / ۷۸

۳- رسانه و مشارکت سیاسی زنان / ۸۹

۴- زنان و رسانه در ایران / ۹۲

۵- توانمندسازی / ۹۷

۶- توانمندسازی سیاسی / ۹۸

۷- موانع توانمندسازی زنان / ۹۹

۸- سازمان‌های غیردولتی و توانمندسازی سیاسی زنان / ۱۰۱

- ۹- سواد رسانه‌ای و توانمندسازی سیاسی زنان / ۱۰۳
- بخش دوم: بررسی وضعیت زنان در سطح علل نظام‌مند / ۱۰۷
- ۱- ساختار قانونی / ۱۰۷
۱. حقوق انتخاباتی / ۱۱۱
۲. انتخاب زن به عنوان رهبر / ۱۱۲
۳. زنان و احراز پست ریاست‌جمهوری / ۱۱۳
۴. زنان و نمایندگی مجلس شورای اسلامی / ۱۱۵
- ۲- میزان مشارکت سیاسی زنان بر اساس کرسی‌های اشغال شده مجلس نمایندگان / ۱۱۶
- ۳- زنان و احراز پست وزارت / ۱۱۷
- ۴- شوراهای محل (در هر روستا) / ۱۱۸
- ۵- حقوق سیاسی زنان در نام تفسیر و اجرا / ۱۱۸
- ۶- روحانیت و تأثیرگذاری بر روند نون‌گذاری در ایران / ۱۲۲
- ۷- اما راهکار حل این اختلاف چیست؟
- بخش سوم: بررسی وضعیت زنان در سطح گفت‌وگو / جهان‌بینی / ۱۲۷
- الف) روش گفت‌وگو / ۱۲۸
- مفصل‌بندی / ۱۳۰
- هژمونی / ۱۳۱
- غیریت‌سازی / ۱۳۱
- سوژه و هویت / ۱۳۲
- شالوده‌شکنی / ۱۳۲
- ب) گفت‌وگو سنت و مسئله زن / ۱۴۰
- ج) گفت‌وگو تجدد و مسئله زن / ۱۴۳
- د) جدال بین سنت و تجدد در شرایط انقلابی و مسئله زنان / ۱۴۶
۱. نگاه انسان‌شناسانه / ۱۵۲
۲. حضور در اجتماع / ۱۵۲

۳. اعتقاد به نظام تاریخی / ۱۵۲

۴. بازتعریف حقوق زنان / ۱۵۳

بخش چهارم: بررسی الگوی زنان در سطح اسطوره‌ها و استعاره‌های فرهنگ ایران /

۱۵۳

۱- اسطوره چیست؟ / ۱۵۴

۲- ایده‌لوژی به مثابه اسطوره دنیای مدرن / ۱۵۶

۳- اسطوره و سیاست / ۱۵۷

۴- استعاره / ۱۵۸

۵- بررسی وضعیت زن در سطح اسطوره‌ها و استعاره‌ها / ۱۶۰

۶- ایزدبانوان تاریخ ایران / ۱۶۱

۷- اسطوره‌های زن در شاهنامه / ۱۶۳

۸- اسطوره‌های زن در آثار نظامی / ۱۶۴

۹- اسطوره‌های زن بعد از ورود اسلام / ۱۶۶

۱۰- استعاره «گناه نخستین» / ۱۷۰

فصل چهارم: ارائه بدیل‌هایی برای هر سطح / ۱۷۲

۱- حرکت تحلیلی بین سطوح / ۱۷۳

۲- بدیل سطح اول؛ لیثانی / ۱۸۳

۳- تحول درون‌پارادایمی فمینیسم و مشارکت سیاسی / ۱۸۴

۴- بدیل سطح دوم؛ علل نظام‌مند و ساختاری / ۱۸۸

۵- بازاندیشی در احکام مشارکت زنان در امور سیاسی و مشارکتی / ۱۸۹

۶- بدیل در لایه سوم؛ سطح جهان‌بینی و گفتمان / ۱۹۲

۷- حامد ابوزید و مسئله نوگرایی دینی / ۱۹۵

۸- محمد مجتهد شبستری و نوگرایی دینی / ۱۹۷

۹- عبدالکریم سروش و نوگرایی دینی / ۲۰۰

۱۰- بدیل لایه چهارم؛ سطح اسطوره و استعاره / ۲۰۱

فصل پنجم: کاربرست روش سناریونگاری / ۲۰۳

تحلیل سناریو / ۲۰۳

گام اول: شناسایی موضوع / ۲۰۴

گام دوم: شناسایی نیروهای کلیدی / ۲۰۵

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران / ۲۰۶

گام چهارم: طبقه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت / ۲۰۸

گام پنجم: انتخاب منطق سناریو / ۲۱۰

گام ششم: پربار کردن سناریو / ۲۱۱

سناریوی اول / ۲۱۱

جهانی‌شدن / ۲۱۱

سناریوی دوم / ۲۱۵

سناریوی سوم / ۲۱۶

سناریوی چهارم / ۲۱۷

گام هفتم: شناسایی پیامدها / ۲۱۸

گام هشتم: انتخاب شاخص‌ها و علائم راسخا / ۲۱۹

سناریوی اول / ۲۲۰

سناریوی دوم / ۲۲۱

سناریو سوم / ۲۲۱

سناریوی چهارم / ۲۲۲

سناریوی مطلوب / ۲۲۲

سناریوی محتمل / ۲۲۲

منابع / ۲۲۵

فارسی / ۲۲۵

مقالات فارسی / ۲۳۰

امروزه در نگرش جدید نسبت به ابعاد مختلف توسعه، به توسعه انسانی توجه خاصی شده است. چرا که توسعه انسانی حضور و مشارکت تمامی اعضای جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. در نگرش‌های جدید، توسعه‌یافتگی مورد توجه پژوهشگران تنها ابعاد مادی و اقتصادی ندارد، بلکه توسعه دگرگونی جامعه را منته‌داری تصور می‌شود که تمامی وجوه حیات انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در برمی‌گیرد. در این نگرش جدید، انسان تنها ابزاری برای پیشرفت و رشد جوامع محسوب نمی‌شود، بلکه رشد و پیشرفت و رفاه او به عنوان هدف توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد. مطالعات توسعه در این نوع نگاه جدید، مسائل مربوط به زنان را نیز مورد توجه قرار داده است. به همین جهت مشارکت و حضور زنان در همه عرصه‌های عمومی اهمیت پیدا می‌کند.

همان‌طور که می‌دانیم در الگوی توسعه‌یافتگی جهانی، فرآیند حرکت در جهت پیشرفت مادی و معنوی انسان، اغلب با ورود هرچه گسترده‌تر زنان به حوزه عمومی

همراه بوده و سهم زنان در تصمیم‌گیری برای زمینه‌های گوناگون افزایش پیدا کرده است. توسعه می‌تواند و باید امکانات لازم را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کند تا همه بتوانند ضمن ابراز و اثبات توانمندی خود، به اهداف انسانی خویش دست یابند و تمام اعضای جامعه از مواهب زندگی و فرصت‌های یکسان برخوردار باشند. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران این فرصت برابر برای تمام اعضای جامعه و به طور اخص برای زنان به عنوان بازیگران فعال در روند توسعه، به وجود نیامده است. همین موضوع اهمیت نقش‌آفرینی زنان را به عنوان نیمی از افراد فعال جامعه نشان می‌دهد. بررسی فرآیند توسعه در بیشتر کشورهای جهان اعم از پیشرفته، در حال پیشرفت حاکی از آن است که توسعه، هیچ‌گاه بی‌طرف نبوده و همواره در ابعاد مختلف، زنان را مورد غفلت قرار داده است. در برنامه توسعه بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان به عنوان یک بازیگر منفعل شناخته می‌شوند و به عنوان یک بازیگر فعال برای پیشی ثانویه هستند.

مطالعه پیش رو در صدد پاسخ به این سوال اساسی است که چگونه می‌توان با بررسی وضعیت زنان در چهار سطح دیدگاه ردی و پذیرفته شده نسبت به زنان در جامعه، سطح علل نظام‌مند که شامل جایگاه زنان در ساختارهای اجتماعی و قانونی می‌شود، سطح جهان‌بینی / گفتمان که نگاه گفتمان‌های تأثیرگذار در تاریخ ایران را نسبت به نقش‌آفرینی زنان مورد بررسی قرار می‌دهد، و سطح استعاره و استعاره که جایگاه زنان را در اسطوره‌های تاریخ ایران مورد واکاوی قرار می‌دهد، یک آینده مطلوب از توسعه سیاسی ایران با حضور تمام اقشار جامعه به خصوص زنان فراهم کرد؟ علی‌رغم تحقیقات فراوانی که در این زمینه صورت گرفته، راه‌های فراوانی در سیاست‌گذاری دولت‌ها دیده می‌شود. این موضوع حاکی از آن است که عموماً تحقیقات کاربردی نبوده‌اند و در بیان اهداف، آرمان‌گرایانه عمل کرده‌اند و از واقعیت حاکم بر اجتماع دور بوده‌اند.

بر همین اساس به منظور دستیابی به یک راه‌حل کاربردی، مطالعه پیش رو بر اساس روش تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها^۱، بر آن است تا آینده نقش‌آفرینی زنان در توسعه سیاسی ایران را مورد واکاوی قرار دهد. بر اساس این روش به بررسی وضعیت زنان ایران در چهار سطح می‌پردازیم. این سطوح عبارتند از سطح قابل رویت جامعه (لیتانی)، سطح علل نظام‌مند اجتماعی، سطح جهان‌بینی و گفتمان، سطح اسطوره و استعاره. بر اساس این روش هرچه در بررسی وضعیت یک موضوع به لایه‌های عمیق‌تر موضوع نفوذ کنیم، هم درک و تبیین از آن گسترده‌تر خواهد بود و هم در ترسیم آن، مدت طولانی‌تری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نهایت مطالعه حاضر در هر سطح بدیهه‌هایی برای نقش‌آفرینی زنان به منظور شرکت در روند توسعه سیاسی ایران را ارائه می‌دهد. هدف از پیاده‌سازی تحلیل لایه‌لایه علت‌ها، ساخت‌شکنی پدیده‌ی اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل و مشکلات است. پس از آشکار شدن لایه‌های مختلف پدیده‌ها و قرار گرفتن متن در بافت، نوبت به تدوین و ارائه سناریوهای بدیل آینده می‌رسد. ارزش و سودمندی این روش در پیش‌بینی بهتر و دقیق‌تر آینده است، بلکه با ایجاد فضاهای گذار، زمینه لازم برای خلق آینده‌های بدیل را فراهم می‌کند. کمک به گسترش و تولید ادبیاتی با موضوع زنان در عین استفاده از روش‌های آینده‌زایی، از مهم‌ترین اهداف تولید این اثر علمی بوده است.

در مرحله بعد پس از ارائه بدیل‌هایی در هر سطح بر اساس روش سناریونویسی هشت مرحله‌ای عدم قطعیت‌های بحرانی به تدوین سناریوهایی درباره آینده نقش‌آفرینی زنان در روند توسعه ایران می‌پردازد. هدف از ارائه سناریو، کشف آینده‌ای ممکن درباره هر موضوع است.

در ادامه بر اساس دو عدم قطعیت جهانی‌شدن و نوگرایی دینی - که از ادبیات تولید شده در سطوح چهارگانه استخراج شده بود - به تدوین چهار سناریوی ممکن در این

زمینه می‌پردازد. هر سناریو یک آینده ممکن درباره وضعیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی در آینده را پوشش می‌دهد.

در نهایت بر اساس تعریف مطالعه حاضر از توسعه سیاسی که آن را «کثرت‌گرایی سیاسی در عین هم‌پذیری سیاسی» می‌داند، به تشخیص علائم راهنما و نشانک‌های ضعیف در میان سناریوهای ممکن می‌پردازد و از این راه سناریوی محتمل و سناریوی مطلوب را استخراج می‌کند.

توسعه سیاسی از دیدگاه مطالعه حاضر را می‌توان به شکل خلاصه این‌گونه بیان کرد: «در عنای سنتی، توسعه سیاسی مشارکت تمامی افراد جامعه و گسترش جامعه مدنی به منظور تدبیر خواسته‌های افراد و گروه‌های مختلف به سیاست مورد نظر آن‌ها خوانده می‌شود. در این صورت زمینه کثرت‌گرایی سیاسی فراهم می‌شود. این در حالی است که بر قدامت به سمت جهانی‌شدن پیش می‌رویم در بیان بدیلی برای آینده توسعه سیاسی، با کثرت‌گرایی سیاسی در عین هم‌پذیری^۱ توسط گروه‌های مختلف فراهم شود. در این امر، جامعه به سمتی می‌رود که در آن، «من»های ذهنی شکسته شده و اساساً از هرگونه هم‌هویت‌شدگی با عوامل مختلف رها شده است. در این صورت زمینه تساهل^۲ مدارا و هم‌پذیری فراهم می‌شود. جهانی‌شدن به عنوان بدیلی برای آینده با سنتست مکان و جغرافیای ملی، زمینه این هم‌پذیری را فراهم می‌آورد. زیرا در مکان تعارض موجود است و با تعریف مرز، دوگانه خود/دیگری مفهوم می‌یابد که این نگرش دوگانه بر این تعارض دامن می‌زند و زمینه و تساهل و هم‌پذیری بین افراد را کاهش می‌دهد». با این توضیح، مطالعه پیش رو توسعه سیاسی را با تساهل، مدارا و هم‌پذیری اجتماعی تعریف می‌کند که در طول تحقیق نیز به این تعریف متعهد می‌ماند.

۱. توازن در توسعه یافتگی

هنگامی که از مطلوب‌ها حرف می‌زنیم، بی‌شک درباره آینده سخن می‌گوییم؛ آینده‌ای که در تقابل با وضعیت موجود در حال حاضر ما قرار گرفته است. هیچ حرفی از مطلوب‌ها و ارزش‌ها زده نمی‌شود، بی‌آنکه از آن‌ها گفته نشود. به همین دلیل آینده‌پژوهی از مطلوب‌ها سخن می‌گوید. بر همین اساس ایران توسعه‌یافته در واقع تصویری از ایران آینده است؛ آینده‌ای که می‌تواند باشد. به همان اندازه که می‌تواند نباشد. توسعه در هیچ جامعه‌ای تک‌بعدی نیست و هیچ توسعه‌یافته‌ای نبوده است که تنها در یک وجه به پیشرفت رسیده باشد. توسعه اقتصادی هم‌پسته و همراه توسعه سیاسی است و به همان اندازه همراه و هم‌پسته توسعه فرهنگی - اجتماعی. همین منطق توازن بوده است که بر سرنوشت دیکتاتورها و جوامع آن‌ها، فارغ از آنکه دیکتاتوری مصلح بوده باشد یا مخرب، حکم رانده است. تمامی حکومت‌ها و دولت‌هایی که به یک جنبه توجه کردند و تحمل یا ظرفیت پذیرش سایر جنبه‌های

توسعه را نداشتند، سرنوشتی جز فروپاشی کلی نداشتند. همان‌طور که آلمان نازی و شوروی کمونیستی نتوانست در برابر این توازن و تناسب دوام بیاورد. کم نبوده‌اند دیکتاتورهای مصلحی که بی‌توجه به توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند و اغلب آن‌ها در همان دوران زندگی خود قربانی همین توسعه تک‌بعدی شده‌اند. توسعه هم مانند یک انسان است که نمی‌تواند تک‌بعدی باشد. در علم پزشکی، به توسعه تک‌بعدی در بدن انسان سرطان می‌گویند. سرطان در بدن همان توسعه یا عدم توسعه نامتوازن یک بخش است.

۲. چرا توسعه آینده زنان اصلی‌ترین پیشران ساخت آینده جامعه ایرانی است؟

به این ترتیب وقتی از توسعه سیاسی در یک جامعه و لزوم آن صحبت می‌شود، به یک معنا به گونه‌ای ضمنی، تمرکز بر این انواع توسعه‌ها تاکید دارد. به عبارت دیگر سخن گفتن از توسعه سیاسی، لزوماً به معنای ضرورت و الزام سایر جنبه‌های توسعه نیست و می‌تواند به معنای عدم توسعه‌یافتگی شدید آن در برابر یا مقابل انواع توسعه باشد. هنگامی که راه حل یک کشور در توسعه سیاسی دانسته می‌شود، به گونه‌ای پنهان و ضمنی بر این امر تاکید دارد که در وضعیت فعلی توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی یا توسعه اجتماعی می‌داند. هرچند این تقدم می‌تواند ناشی از دلایل متعددی باشد. پرداختن به هر مسئله‌ای در ذات خود نوعی اولویت‌گذاری پنهان را دارد. هر گزینش‌گری پیش از هر کنشی با انتخاب مسئله رویکرد اول خود را آشکار می‌سازد. موضوعی که کنش‌گر اجتماعی انتخاب می‌کند، نخستین کنش او است. اینکه چرا کنش‌گری موضوع محیط‌زیست را انتخاب می‌کند و بر مسئله آب متمرکز می‌شود، نخستین و اصلی‌ترین کنش اوست؟ چرا که به زعم او محیط زیست و مسئله آب به صورت ویژه، اولویتی فراتر از هر مسئله دیگر دارد؛ اولویتی که قاعداً در مقایسه با دیگر مسئله‌ها تعیین شده است، هرچند الزام دارای بار ارزشی نیست. به همین ترتیب آن گزینش‌گری که صحبت از توسعه سیاسی می‌کند، بدون شک

توسعه سیاسی را در وضعیت فعلی (در مکان و زمان انتخابش) مهم‌تر و اولی‌تر از توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند، هر چند همان گزینش‌گر معترف و آگاه به مشکلات متعددی در حوزه اقتصادی و اجتماعی باشد.

به عنوان مثال ممکن است پیش‌فرض گزینش‌گر توسعه سیاسی این باشد که «وضعیت اقتصادی و اجتماعی جلوتر و توسعه‌یافته‌تر از وضعیت سیاسی است و به همین دلیل باید بیشتر بر توسعه سیاسی تمرکز کرد تا به جامعه‌ای متوازن‌تر دست یافت» بدیهی است که این گزینش‌گر می‌داند و آگاه است که وضعیت اقتصادی یا اجتماعی مطلوب نیست و با مطلوب فاصله‌ای بسیار دارد، اما همین نامطلوبی در حوزه سیاسی، بیشتر از آن دو حوزه دیگر است.

هرچند ممکن است گزینش‌گر دیگری بر اساس پیش‌فرض دیگری بر ضرورت توسعه سیاسی پافشاری کند. می‌وان استدلال بدیل دیگری را تصور کرد که در آن «اساساً توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اجتماعی و اقتصادی دانسته می‌شود». در این نوع از استدلال «به آن دلیل بر توسعه سیاسی تمرکز می‌شود که پیش‌نیاز و زیرساخت سایر انواع توسعه است». کنش‌گران موضوع و حوزه کنش خود را انتخاب می‌کنند، اغلب بی‌آنکه به دلایل آن بپردازند. دلایلی که در پس پشت تمامی نوشته‌ها و استدلال‌ها خوابیده است. کنش‌گر حوزه زنان به ترا‌م‌سازی جامعه زنان می‌پردازد، بی‌آنکه به مخاطبش اعلام کند چرا و به چه دلیلی مسئله زنان را تا این حد مهم دانسته است که اصلی‌ترین منبع خود یعنی زمانش را به آن اختصاص داده است. کنش‌گران اغلب در مورد دلایل اهمیت موضوعی که انتخاب کرده‌اند سکوت می‌کنند و به جای آن بیشتر ترجیح می‌دهند در خصوص موضوع صحبت کنند.

در این مقدمه تلاش من بر آن است که از منظر آینده‌پژوهی به ضرورت پرداختن به موضوع زنان و تاثیر آن بر توسعه کشور اشاره‌هایی داشته باشم. اینکه چرا موضوع زنان یک مسئله فرعی نیست و چرا مسئله بزرگ پیش روی جامعه ایرانی است. هرچند نمی‌توانم (به دلیل دانش اندکم) به اندازه اهمیت موضوع سخن بگویم، اما تلاش می‌کنم بر این پیش‌فرض خود تأکید کنم که «تا مسئله زنان برای جامعه ایرانی حل نشود، امکان توسعه از جامعه ایرانی سلب خواهد شد».

استدلال اول: انسان به مثابه انسان

ادبیات و فلسفه مردانه و غالب در جامعه سنتی، اساساً زن را نخستین دیگربود مرد تعریف می‌کند. منطقی که از دوران ارسطو شکل می‌گیرد، زن را در موقعیتی پایین‌تر از مرد و هم‌سطح یا اندکی فراتر از حیوانات قرار می‌دهد. ارسطو در تقسیم‌بندی موجودات زنده، زن را در دسته حیوانات قرار می‌دهد. از جمله دلایل آن‌ها برای این دسته‌بندی آن بود که تعداد دندان‌های زنان را کمتر از مردان می‌دانستند، بی‌آنکه تلاش در جهت اثبات آن کنند.

این ادبیات و فلسفه غالب، آبشخور تقسیم سلسله‌مراتبی آدمی است. آن کس که زنان را در تحلیل فلسفه خویش نادیده می‌گیرد، نمی‌تواند انسان را به مثابه انسان بداند. مادامی که زن را همانند مرد انسان ندانیم، نمی‌توان انتظار داشت حقوق انسانی و شهروندی زن محترم شمرده شود.

پیش‌نیاز نگاه انسانی به انسان، پذیرش حقوق او، نگاه به زن به مثابه انسان است. زمانی جامعه ایران - و هر جامعه دیگری - می‌تواند وارد دوران مدرن شود که انسان را با تمامی ضعف‌ها و توانمندی‌هایش، فارغ از تمامی ویژگی‌های غیراکتسابی‌اش به عنوان انسان بپذیرد. به همین دلیل اگر زن را همانقدر انسان بدانیم که مرد را، تنها زن ارتقا نمی‌یابد، بلکه انسانیت را ارج نهاده‌ایم.

تفکیک ویژگی‌های انسانی به دو دسته مردانه و زنانه در طول زمان منجر به فروکاست انسان به برخی از ویژگی‌های جنسیتی شده است. ویژگی‌هایی که بیش از هر چیزی برآمده از برساخت اجتماعی است و به همین دلیل نمی‌تواند نشان‌دهنده واقعیت انسانی ما باشد و بیشتر بازتاب ادراک غالب جامعه است. هر جامعه‌ای سنتی گریه کردن را برای زنان مجاز می‌داند، به مرور زمان احساسات را در مردان می‌کشد. در چنین جامعه‌ای مردان تنها برای جنگیدن و کشتن و کشته شدن ستایش می‌شوند. مردی که باید بخشی از ویژگی‌های انسانی‌اش را قربانی کند، چرا که آن ویژگی‌ها زنانه دانسته می‌شود و زن بودن کاهیدن از شان مرد است.

درست در همین جامعه است که به مرور نیمی از ویژگی‌های انسانی قربانی می‌شوند.

در این موقعیت واژه‌ها قربانی می‌گیرند، مثل‌ها و استعاره‌ها قربانی می‌گیرند و عباراتی مانند «مرد که گریه نمی‌کند» قربانی‌های خود را می‌گیرد. در این جامعه انتظار از مرد، حیوانی خشن و جنگجوست که اقتدارش در حکمرانی بر دیگران به‌خصوص زنان است. مردی که نه یاد گرفته است محبت و عشق را ابراز کند و نه آن را مجاز می‌داند.

مردی که سنت قبیله‌ای را به سبک زندگی تبدیل می‌کند. در سبک زندگی این مرد آشپزی سرگرمی نیست، بلکه فروکاستن مردانگی والا به زنانگی دون است. در این سبک زندگی است که نیمی از سرگرمی‌های متداول از فهرست زندگی خارج می‌شود.

به هر تقدیر پذیرش انسان به عنوان انسان، در نخستین گام نیازمند پذیرش زنان به عنوان نیمی از انسان‌های دارای زیست در این جهان است. جامعه‌ای که نیمی از انسان‌ها را به عنوان انسان نمی‌شناسد و نه قبول دارد، ناآگاه به خود است. در چنین جامعه قوانین و مقررات با ویژگی‌های انسانی تطابق ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند زمینه‌ساز توسعه در سیچ و جری باشد. در این وضعیت انواع حقوق انسانی مشروعیت نمی‌یابد. تاکید بر پیش‌فرض «تا مسئله زنان برای جامعه ایرانی حل نشود، امکان توسعه از جامعه ایرانی سلب شده است»، به این دلیل است که تا مسئله زنان و پذیرش زن به عنوان انسان حل نشود، نه تنها به رستی شناخته می‌شود، نه حقوق انسان ارج نهاده می‌شود و نه امکان زیست انسان فراهم می‌شود.

استدلال دوم: نادیده‌انگاری نیمی از توان

یک تیم فوتبال را تصور کنید که به صورت خودخواسته‌ای نیمی از اعضایش را روی نیمکت ذخیره‌ها نشانده است. جامعه‌ای که برای ورود زنان به زمین بازی مانع ایجاد می‌کند، در واقع خود را از نیمی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایش، به صورت خودخواسته محروم کرده است. نیمی از نیروی کار و منابع انسانی هر جامعه‌ای زنان آن جامعه است. انسان‌ها امروز به عنوان سرمایه انسانی، نقش اصلی را در توسعه

اقتصادی ایفا می‌کنند. حذف زنان از صحنه اقتصادی به معنای کنار گذاردن نیمی از توان تولید است. البته تولید تنها محدود به حیطه اقتصاد نمی‌شود و فراتر از آن تولیدات فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

اما این ظاهر مسئله است و افزایش دانش بشری به ما نشان می‌دهد با کنار گذاشتن زنان در واقع بخش اعظم (و بسیار بیشتر از نیمی) از توان تولید را کنار گذاشته‌ایم.

اصلی‌ترین منبع رشد اقتصاد و تولید ناخالص ملی منابع طبیعی نیست، بلکه انسان‌ها و سرمایه انسانی بازیگر نقش اصلی است. از زمانی که مطالعات سولو^۱ نشان داد تغییرت فناوری، ناشی از نوآوری، اصلی‌ترین منبع رشد اقتصادی ایالات متحده بوده است، نقش انسان فراتر از سایر عوامل تولید اهمیت یافته است. و پیش از سولو، شومپتر^۲ آن را با توان تخریب خلاقانه مطرح کرده بود. نوآوری انسان برآمده از نگاه متفاوت به یک مسئله است. نوآوری به مثابه هر سنتز دیگری از تضاد و ترکیب هم‌زمان نگاه غالب (تز) با نگاه متضاد آن (آنتی‌تز) است. در این دیالکتیک است که نوآوری پدید می‌آید. تعارض بین خواسته‌های متفاوت در تکنیک‌های مختلف مانند تریز بازتولید می‌شود و نهایتاً نوآوری برآمده از هم‌زیستی تز و آنتی‌تز پدید می‌آید.

حذف زنان به معنای حذف نگاه‌های متفاوت از نگاه غالب است. با حذف زنان، ما خود را از نگاه‌های متفاوت از پارادایم غالب و به زن دیگر آنتی‌تزها محروم کرده‌ایم. درست به همان دلیل که بر تمایزها (و نه تبعیض) می‌توانستیم ساختی و جسمانی تأکید می‌شود. عدم ورود زنان به عرصه‌های مختلف زیست اجتماعی است که می‌تواند ما را مدام مشغول به تره‌های غالب کند و از تشکیک‌ها و تعارض‌های سارنده تخریب‌های خلاقانه تهی سازد.

وجود سقف شیشه‌ای برای پیشرفت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی وضعیت را بحرانی‌تر می‌کند؛ چرا که تاثیرگذاری زنان را در سطوح بالاتر کاهش می‌دهد.

^۱ Robert Solow

^۲ Joseph Schumpeter